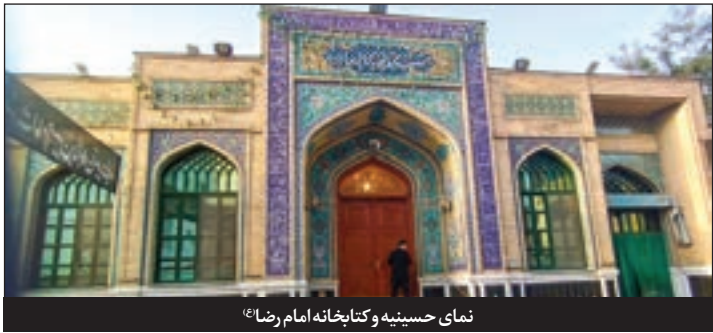


درباره کوچه ۹۰ ساله «شهید هاشمی نژاد۸» که بخشی از املاک مرحوم «میرزای ناظر» بوده است

تاریخ کهنه کوچه «باغ نو»



نمای کتیبه مرحوم رضوان در کوچه ناظر



نمای حسینیّه و کتابخانه امام رضا^(ع)



نمای قدیمی ترین خانه مسکونی در کوچه ناظر

رضا سلیمان نوری تصور اغلب افراد این است که همه کوچه‌ها و مسیرهای محدوده بافت قدیمی شهر عمری دراز دارند اما هستند کوچه‌هایی در این محدوده که هنوز دوران سکونت در آن‌ها به صد سال نرسیده است. کوچه شهید هاشمی نژاد۸، یا کوچه ناظر، یکی از همین کوچه‌هاست. این کوچه که متصل‌کننده دو خیابان شهید هاشمی نژاد و آیتا...عبادی است قدمتی کمتر از هشتاد سال دارد. کوچه شهید هاشمی نژاد۸ نسبت به بسیاری از مسیرهای بافت قدیم مشهد جوان محسوب می‌شود اما در همین دوران پستی و بلندی‌های بسیاری به خود دیده و برهمین اساس یادگارهای ارزشمندی را میزبانی می‌کند؛ یادگارهایی که در بین آن‌ها امضای مرحوم عبدا...ناظر بر پای برگه فروش برخی از املاک‌های کوچه آن، کتیبه یادگارمانده از استاد محمد حسن بیوکی، مشهور به رضوان، هنرمند بزرگ طراح و خوش‌نویس معاصر آستان قدس رضوی، و صدالبته حسینیّه و کتابخانه به‌یادگارمانده از مرحوم طبسی، تولیت اسبق آستان قدس رضوی، جایگاه ویژه‌ای دارند.

- از کوچه «فوزیه» تا کوچه «میرزای ناظر»

نخستین نام رسمی مسیر کوچه شهید هاشمی نژاد۸، حدود سال ۱۳۱۰ خورشیدی برای آن برگزیده شده است. در اسناد این دوره (سال ۱۳۱۰ خورشیدی) بخش ابتدایی این کوچه (هاشمی نژاد۸) و همچنین کوچه روبه‌روی آن (شهید هاشمی نژاد۹ فعلی) با نام «کوچه باغ‌نو» شناخته می‌شده‌اند.

این نام تا حدود سال ۱۳۳۰ تنها نام معرف این مسیر بود اما پس از آن کوچه مورد نظر به نام مالک عمده زمین‌های آن، یعنی مرحوم عبدا...رضوی، مشهور به عبدا...میرزای ناظر به‌عنوان «کوچه ناظر، شناخته شد. این عنوان از چنان جایگاهی در نزد مردم برخوردار بوده است که به‌رغم گذشت بیش از هفتاد سال از آن دوران، هنوز هم بر تابلوی ورودی کوچه از هر دو سوی آن حک شده‌است. این در حالی است که در این دوره زمانی به‌نسبت طولانی و بر حسب شرایط، نام‌های دیگری هم از سوی مقامات رسمی یا مردم برای معرفی این کوچه استفاده شده‌است.

- کوچه «ناظر»، یادگار باغات مشجر «بالاخیابان»

نخستین نام رسمی این مسیر پس از عنوان دائمی ناظر، کوچه فوزیه۱۲ بود که اندکی بعد به عشرت‌آباد^۱ تغییر کرد و در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب به شهید هاشمی نژاد۱۲ تبدیل شد. در ادامه، اجرائی شدن طرح عظیم بهسازی و نوسازی میدان شهدا در سال‌های میانه دهه۸۰ و حذف برخی از کوچه‌های ابتدایی خیابان هاشمی نژاد در جریان اجرای این طرح سبب شد که شهرداری در سال‌های اخیر شماره این کوچه را از ۱۲ به ۸ تغییر دهد.

از سوی دیگر، سکونت مرحوم آیتا...واعظ طبسی (نخستین تولیت آستان قدس رضوی پس از پیروزی انقلاب اسلامی) در این کوچه سبب مشهور شدن این مسیر به کوچه آقای طبسی هم شد. مجاورت کوچه باتنه‌پیم بنزین محدوده میدان شهدا و وجود خیریه مشهور محبان‌الرضا^(ع) در فاصله‌ای اندک از این کوچه نیز باعث شهرت آن به دو نام کوچه کنار پیم بنزین و کوچه کنار محبان‌الرضا^(ع) در بین مردم شد. سرانجام اینکه اتصال بخش انتهایی کوچه با خیابان خواجه ربیع سابق (آیتا...عبادی فعلی) باعث نصب تابلوی خواجه ربیع۹ در سال‌های قبل از دهه۹۰ قرن گذشته و عبادی۹ در سال‌های پس از آن در انتهای این کوچه شد.

درست است که کوچه ناظر از مسیرهای به‌نسبت جدید مشهد قدیم محسوب می‌شود ولی نشان آن در نقشه سال ۱۲۴۸ خورشیدی پیدا است. درواقع این محدوده در دوره قاجار، بخشی از پهنه وسیع موسوم به باغات مشجر بالاخیابان مشهد است. وضعیت این محدوده در سال‌های پایانی حکومت قاجارها بر ایران تفاوت اندکی با سال‌های میانی این دوران پیدا کرد؛ در نقشه سال ۱۳۰۳ مشهد دو کوچه کوتاه شمالی جنوبی و غربی شرقی که بر هم عمود هستند در محدوده کنونی کوچه ناظر دیده می‌شود که هر دو راه ارتباطی حاشیه باغ‌های کوچک منفک شده از محدوده بزرگ باغات مشجر بالاخیابان هستند.

- رشد کوچه «ناظر» در دوران پهلوی‌ها

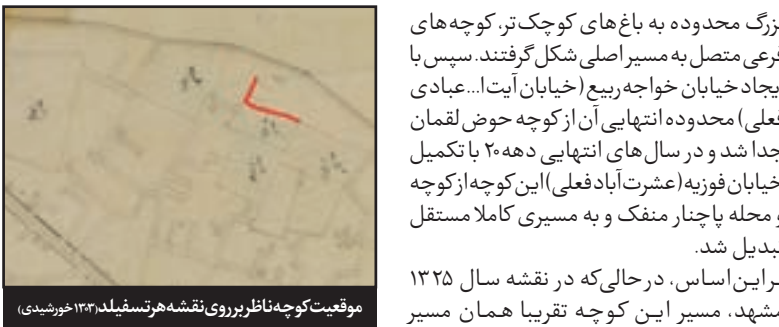
نیمه نخست قرن ۱۲ خورشیدی را باید دوره ایجاد و رشد کوچه ناظر لقب داد. در دو دهه نخست این دوره زمانی به‌تدریج بر اثر تقسیم مداوم باغ‌های



موقعیت کوچه ناظر بر روی نقشه مشهد در دوره قاجار



نمای تابلوی ورودی کوچه ناظر از سمت شهید هاشمی نژاد



موقعیت کوچه ناظر بر روی نقشه هرتسفیلد۱۳۳۱ خورشیدی

بزرگ محدوده به باغ‌های کوچک‌تر، کوچه‌های فرعی متصل به مسیر اصلی شکل گرفتند. سپس با ایجاد خیابان خواجه ربیع (خیابان آیتا...عبادی فعلی) محدوده انتهایی آن از کوچه حوض لقمان جدا شد و در سال‌های انتهایی دهه۲۰ با تکمیل خیابان فوزیه (عشرت‌آباد فعلی) این کوچه از کوچه و محله پاچنار، منفک و به مسیری کاملاً مستقل تبدیل شد.

براین اساس، در حالی که در نقشه سال ۱۳۲۵ مشهد، مسیر این کوچه تقریباً همان مسیر ترسیم‌شده در نقشه سال ۱۳۰۳ است، در نقشه سال ۱۳۳۳ شهر، وضعیت بسیار متفاوت است. در این نقشه، کوچه ناظر شامل یک مسیر اصلی شرقی به غربی است که دو خیابان فوزیه و خواجه ربیع را به هم متصل می‌کند.

- پس از انقلاب اسلامی

تغییرات ایجادشده در کوچه ناظر در سال‌های پس از انقلاب را می‌توان حاصل سه عامل مختلف دانست:
۱- تغییر شرایط زندگی در شهر مشهد و نیاز بیشتر به بلندمرتبه‌سازی یکی از این عوامل است که باعث تبدیل به احسن شدن بسیاری از پلاک‌های قدیمی این کوچه خاصه در مسیر اصلی آن شده است. این تغییرات باعث شده است اکنون از بدنه دهه۳۰ کوچه تنها یک پلاک در بخش جنوبی و یک پلاک در بخش شمالی کوچه دیده شود. البته این به غیر از پلاک‌های ارزشمند قدیمی داخل فرعی‌های کوچه، خاصه فرعی‌های ناظر۱ و ناظر۹

اتصال کوچه هاشمی نژاد۶ کنونی و ۱۰اقدیم -از طریق تخریب یکی از پلاک‌های قدیمی کوچه ناظر- با این کوچه و ایجاد یگانه فرعی جنوبی آن شد.

۳- دیگر عامل ایجاد تغییرات عمده در این کوچه در سال‌های پس از انقلاب، اقدامات مرحوم آیتا...طبسی بود. او به تدریج و با بخشی از پول حق تولیت خود، تعدادی از پلاک‌های مجاور منزل مسکونی‌اش را خرید و سپس با جمعیت آن‌ها و ساخت بنایی جدید کتابخانه و حسینیّه امام رضا^(ع) را در سال ۱۳۸۲ ایجاد کرد.

این ساختمان در قالب دوسالن در طبقات زیرین و همکف و پنج دستگاه واحد مسکونی در سه طبقه احداث شد و به‌منظور تعظیم و ترویج شعاربر مذهبی و برگزاری مجالس تبلیغی و ترویجی در ماه مبارک رمضان، محرم و صفر و مناسبت‌های اعیاد و مولید و وفیات حضرت رسول اکرم^(ص)، صدیق‌ه طاهره^(ص) و ائمه معصومین^(ع)، وقف آستان قدس رضوی شد. ایجاد این مجموعه باعث ظهور یک فرعی جدید بن بست در بخشی شمالی کوچه شد که اکنون به عنوان ناظر۱ شناخته می‌شود.

- نام‌داران کوچه «ناظر»

مرحوم آیتا...عباس واعظ طبسی، نخستین نماینده ولی فقیه و همچنین تولیت آستان قدس رضوی پس از انقلاب، را باید شناخته‌شده‌ترین ساکن این کوچه در سال‌های اخیر دانست. او پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با گرفتن ۱۵ هزار تومان وام از بانک و با معماری مرحوم عزیزبان، پدر همسرش، خانه‌ای را در فرعی ناظر۱ ساخت و تا زمان فوتش در آن ساکن بود. مرحوم عبدا...رضوی با همان میرزای ناظر دیگر فردی است که نام او با این گذشته کوچه گره خورده است. هرچند او هیچ‌گاه ساکن رسمی این کوچه نبود اما بخش بزرگی از زمین‌های این کوچه از املاک وی محسوب می‌شدند.

مرحوم صادق زاده، محضر دار نام‌آشنای محدوده چهارراه خواجه بیع در سال‌های نه‌چندان دور، و مرحوم وفادار، قصاب شناخته‌شده همان محدوده، نیز از دیگر افرادی هستند که سال‌های بسیاری در این کوچه زیسته‌اند. منزل مسکونی هردوی این افراد در دهه اخیر توسط اعضای هیئت جان‌نثاران حضرت ابوالفضل^(ع) چهارراه خواجه ربیع که در اصل هیئت مذهبی صنف شعرایا و قالی‌باف مشهد بوده از ورثه خریداری و تبدیل به مکانی برای برگزاری محافل عزای حسینی شده است.

حجت‌الاسلام شیخ مصطفی درایتی، مشاور رئیس‌جمهور ایران حدفاصل سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، نیز یکی دیگر از ساکنان شناخته‌شده این کوچه است که اکنون در طبقه پایین منزل خود مؤسسه فرهنگی الجواد^(ع) را مدیریت می‌کند. خاندان‌های عظیمی، علیراده، افشاری، احمدی، اخلاقی، عابدینی و محمودی هم از دیگر خانواده‌هایی هستند که هرکدام مدتی در این کوچه سکونت داشته‌اند و هنوز برخی از اعضای آن‌ها سکونت دارند. سرانجام اینکه خانواده منتجبی که نام فرزند شهیدش، یعنی شهید مهدی منتجبی، در کنار عنوان تابلوی بن بست ناظر۱ حک شده‌است هم از خاندان‌های قدیمی ساکن این مسیر محسوب می‌شوند.

شهریار

۲۱ شهریور ۱۳۸۳
۴ مهر ۱۳۸۳
شماره ۲۲۲

۱۵

تاریخ و هویت

خراسان
نامه

درباره کاروان‌سرایي که رد پای وقایع مهم خراسان در آن پیداست

سنگ بست و جنگ



هادی دقیقاً رباط‌ها یا کاروان‌سراها در شرق ایران اهمیت بیشتری داشته‌اند. یک دلیل عمده آن هم فاصله زیاد شهرها از یکدیگر است. از این رهگذر، در جای جای دشت‌های خراسان هم کاروان‌سراهایی دیده می‌شود که هرکدام داستانی ویژه دارند. یکی از این کاروان‌سراها که با جنگ‌هایی در تاریخ خراسان، ایران و جهان پیوند خورده است، رباط سنگ‌بست فریمان است. محوطه تاریخی سنگ‌بست در سی‌وچندکیلومتری جنوب مشهد، بقایای شهری ویران با خندق و برج و بارو را نشان می‌دهد. از سمت مشهد که به فریمان می‌رویم، سر سه‌راهی بعد از ایستگاه راه‌آهن فریمان، با تابلو سنگ‌بست برخورد می‌کنیم. سمت چپ از این جاده کاروان‌سرای سنگ‌بست مشخص است و در چندکیلومتری همین مسیر، مقبره ارسلان جاذب، منار ایاز و مسجد جامع سنگ‌بست قرار دارد. همه این‌ها در حوالی روستایی به همین نام قرار گرفته‌اند.

به باور عده‌ای از پژوهشگران، مجموعه تاریخی سنگ‌بست تنها بازمانده معماری دوره غزنوی در خاک ایران است. اما شاید شواهد، چندان همه ماجرا را تأیید نکند. این بافت تاریخی، چندان که باید بررسی و کاوش نشده است و متأسفانه جاده آسفالت هم درست از وسط محوطه شهر تاریخی آن می‌گذرد؛ نه کمی این طرف‌تر، نه کمی آن طرف‌تر برگردیم به ابتدای جاده‌ای که به روستای سنگ‌بست و میل ایاز و مقبره ارسلان جاذب می‌رسد؛ جایی که رباط قلعه‌مانند سنگ‌بست در آنجا جا خوش کرده است. رباط سنگ‌بست که امروز اطرافش پر از کارگاه‌های شن‌شویی است، تاکنون میزبان اتفاقات عجیب‌غریب و مهمانان زیادی بوده است. این کاروان سرا سال ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی قرار گرفته است.

- بر سر راه هرات

در کتاب «تاریخ عباسی» از توقف شاه عباس صفوی در این کاروان سرا در میانه لشکرکشی به هرات یاد شده است؛ «شاه عباس توقف زیاد در مشهد نداشت و بعد از سه روز رسیدگی به کار در این شهر راهی هرات شد. اردوی شاهی ابتدا به بند فریمون فرستاده شد. خود شاه هم در رباط سنگ‌بست نزول کرد.»

اما این تنها داستان سنگ‌بست در سر راه هرات نیست. سلطان مراد میرزا، برادر محمدشاه قاجار، در زمان حکومت او، حوالی سال ۱۲۱۶ خورشیدی برای سرکوب‌کردن کامران میرزا درانی، حاکم وقت هرات، راهی این منطقه شد. او در آن زمان رباط سنگ‌بست را مرمت می‌کند و بخشی از زرادخانه لشکرش را آنجا پی می‌ریزد. مراد میرزا پس از اینکه در اوایل دوره ناصرالدین شاه شورش سالار در خراسان را سرکوب کرد، لقب حسام‌السلطنه گرفت.

در کل در کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌های گوناگون نام رباط سنگ‌بست آمده است که البته همه آن‌ها به لشکرکشی و جنگ و درگیری مربوط نیست. با وجود این، اینجا به دو ماجرای جنگی دیگر هم می‌پردازیم که پای رباط سنگ‌بست در میان آن‌هاست.

- جنگ جهانی دوم

یکی از داستان‌های رباط سنگ‌بست مربوط به وقایع بعد از تبعید رضاشاه در بجنوبه جنگ جهانی دوم است. پس از تبعید رضاشاه، آشوب‌هایی اعتراض‌آمیز در سراسر ایران روی داد. یکی از آن‌ها مربوط به صولت‌السلطنه هزاره است. کاوه بیات در کتاب «شورش خراسان و صولت‌السلطنه هزاره» نوشته است: «در خراسان نیز صولت‌السلطنه هزاره توانست با تکیه بر سوابق تاریخی ایل هزاره و همچنین بهره‌برداری از زمینه مساعدی که جور و ستم نظام پهلوی برجای گذاشته بود، نه‌تنها عشایر شرق و شمال و غرب خراسان، بلکه بسیاری از دیگر اقشار مردم را نیز برانگیزد و برای مدتی کوتاه در زمستان ۱۳۲۰ بر بخش گسترده‌ای از خراسان حکمرانی کند. در میانه لشکرکشی‌های صولت‌السلطنه در خراسان، او بین فریمان، طبیات، تربت جام، خواف و تربت حیدریه و بقیه شهرهای این مسیر در رفت‌وآمد بود. در بهمن ماه همان سال، نیروهای صولت‌السلطنه در رباط قلعه‌مانند سنگ‌بست سنگر گرفته بودند. در چهار گوشه این رباط مستطیلی، چهار برج بزرگ دایره‌ای و در دو ضلع شرقی و غربی آن، دو برج نیم‌دایره قرار دارد که روی هم، شمالی از قلعه را تداعی می‌کنند. نیروهای دولتی که برای سرکوب‌کردن او به سمت سنگ‌بست رفته بودند، کمی پیش‌تر از کاروان سرا، با صدای رگبار متوقف می‌شوند و کامیون‌های پراز سرباز را پارک می‌کنند و سربازان، جایی حوالی میل ایاز سنگر می‌گیرند. نیروهای صولت‌السلطنه وقتی پیش‌روی پیاده‌نظام و تانک‌های ارتش را می‌بینند، داخل رباط پناه می‌گیرند و پشت درها را با کیسه‌های آرد و گندم جفت و بست می‌کنند. در نهایت، مقاومت شورشیان و در کاروان سرا شکسته می‌شود و نیروهای صولت‌السلطنه از در دیگر فرار می‌کنند. در این بین، چند نفر از آن‌ها که نتوانسته بودند فرار کنند، از دخمه‌ای در کاروان سرا همچنان مقاومت و تیراندازی می‌کردند. یکی از آن پنج نفر وقتی خودش را تسلیم می‌کند، درجا خلع سلاح و کشته می‌شود. در نتیجه مقاومت چهار نفر دیگر همچنان ادامه پیدا می‌کند. بالاخره، شب فرا می‌رسد و آن چهار نفر به دنبال راه فرار، متوجه می‌شوند که دیوار بخشی از کاروان سرا دو جداره است و از همان جافرار می‌کنند و حین فرار، به هر سو شلیک می‌کنند. تا جایی که نیروهای دولتی تصور می‌کردند به آن‌ها شبیخون زده شده است. آن چهار نفر سپس خودشان را به کلات و پناهگاه جدید صولت‌السلطنه می‌رسانند.

از این ماجرا مدتی گذشت و حتی وقتی سرهنگ بیگلری، نماینده ارتش، برای خلع سلاح‌کردن صولت‌السلطنه به کلات رفته بود، تقاضا می‌کند آن چند نفر را ببیند و گویا شجاعتشان را هم ستوده است.

- جنگ تحمیلی ایران و عراق

این کاروان سرا پس از متروکه شدن مدتی به عنوان انبار علوفه و محل نگهداری دام اهالی سنگ‌بست استفاده می‌شد؛ اتفاقی که برای خیلی از بناهای باستانی ایران افتاده است. رباط سنگ‌بست پس از آن در اختیار یک مرکز بازروری قرار می‌گیرد. سپس به ارتش واگذار می‌شود و بعد از آن به سازمان زندان‌ها می‌رسد تا در نهایت سال ۱۳۸۳ ثبت ملی و مدتی بعد به میراث فرهنگی واگذار می‌شود. با شروع جنگ ایران و عراق، تعدادی از اسرای عراقی به پادگان لشکر ۷۷ منتقل می‌شوند و بعد از تفکیک اسرای شیعه و سنی، عده‌ای از آن‌ها به رباط سنگ‌بست منتقل می‌شوند. بیشترین تغییر کاربری و تخریب این بنا نیز در زمانی اتفاق افتاده که به عنوان زندان استفاده می‌شده است. از جمله سفید و گچ‌کردن نمای داخل و بیرون و سنگ‌کردن آزاره دیوارها، تبدیل بخش‌هایی از بنا به حمام و... روی هم‌رفته وضعیت بنایی که پای ثابت چندین جنگ بوده، امروز نسبتاً خوب است.